

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ »

« وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ * وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ * وَإِنَّمَا يَنزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ » (فصلت، ۳۴-۳۶)

با عرض سلام و ادب خدمت همه دوستان و اعضای محترم وبلاگ و کانال «عهد الله» و «رسولان» و نیز همه پیروان «انقلاب قرآنی».

در پی انتشار مقاله «حجاب در اسلام» دو تن از دوستان بزرگوار سؤالاتی را مشترکاً مطرح کرده‌اند و درخواست پاسخ به آنها را نموده‌اند. که این جوابیه در راستای پاسخ آنها می‌باشد. (متن سؤالات در انتهای همین نوشتار موجود است).

اما برای پاسخگویی به این سؤالات، لازم است که توضیحاتی محضر خوانندگان گرامی عرض شود.

اول آنکه شخص مطرح کننده سؤالات همان بزرگواری هستند که در اصل مقاله مندرج در وبلاگ رسولان، سؤالات قبلی‌شان به همراه جواب درج گردیده بود.

دوم آنکه تا کنون شخص سؤال کننده در سه نوبت سؤالاتی مطرح کرده و جواب گرفته‌اند که جوابها همه در اصل مقاله موجود است. و اینک سری چهارم است که سؤالاتی را مطرح می‌نمایند.

سوم آنکه در همان مقاله عرض کردیم به برخی از سؤالات ایشان جواب داده شده و از پاسخ به بخش دیگر صرف نظر شده است. و علت آن را نیز خارج بودن از بحث ذکر کردیم. و در انتها نیز توضیح داده بودیم که: «برخی سؤالات طرح شده از سوی طراح خارج از موضوع بحث بود فلذا اینجا پاسخی به آنها داده نشد و اینگونه نبود که این حذف به شیوه تقطیع مخرب بوده باشد و سعی شد تمام نکاتی که

پاسخ به آنها در رد یا تأیید موضوع مقاله به هر نوعی مؤثر بود ذکر گردد. والله المستعان».

چهارم آنکه یکی از پرسشگران فرموده‌اند: «ما خودمان جواب این سؤالات را بلد هستیم و فقط این سؤالات را می‌پرسیم که نویسنده مبانی‌اش را بگوید و ما بی‌سوادی او را ثابت کنیم!» در حالی که دیگری نیز فرموده است: «وقتی ما جواب این مقاله را بدهیم آنچنان نویسندگان مقاله مفتضح می‌شوند که از خجالت نمی‌توانند سرشان را بالا بگیرند!!» و در ادامه نیز فرموده‌اند برای آنکه آن جواب را ارائه کنیم نویسندگان باید به این سری چهارم از سؤالات هم جواب دهند و سؤالات ما ادامه خواهد داشت تا جایی که کاملاً مبانی فکری ایشان مشخص شود!!

نتیجه:

ما بیش از پیش به این نتیجه رسیدیم که نباید به این سؤالات جواب دهیم. چون در مقاله قرآنی «حجاب در اسلام» عنوان شده بود که مقاله ما طبق مبنای قرآنی آیت الله صادقی تهرانی رحمة الله علیه است. خوب آقایان سؤال کننده هم مدعی هستند که مبانی قرآنی را به خوبی می‌دانند. بنابراین کافی است که ایشان با همان مبانی قرآنی که می‌دانند مقاله «حجاب در اسلام» را رد کنند و بگویند این حرف شما طبق این مبنای قرآنی غلط است و اصلاً نیازی به دانستن مبنای نویسنده مقاله ندارند.

تا کنون ندیده‌ایم که افراد دلسوز و عالم، جواب به یک شبهه یا مقاله را موکول کنند به پاسخ دادن نویسنده مقاله به هزار و یک سؤال آنها. البته شاید این بهترین بهانه برای جواب ندادن و طفره رفتن از پاسخگویی باشد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: «إذا سألت فاسأل تفقها ولا تسأل تعنتا فإن الجاهل المتعلم شبيه بالجاهل، وإن العالم المتعسف شبيه بالجاهل: برای فهمیدن

بپرس؛ نه به قصد به زحمت انداختن دیگری؛ زیرا که جاهلی که می‌خواهد بیاموزد، شبیه داناست. دانایی که با برتری طلبی، قدم در بیراهه می‌نهد، شبیه جاهل است».

فلذا:

صراحتاً عرض می‌کنیم که اگر آقایان در برابر استدلالهای مندرج در مقاله «حجاب در اسلام» ردی دارند مطرح کنند و ما پاسخ دادن به سؤالاتی که پایانی ندارد و خارج از بحث می‌باشد را صلاح نمی‌دانیم و صد البته آماده شنیدن استدلالهای صحیح قرآنی هستیم هر چند باعث مفتضح شدن ما باشد چرا که ارزش و احترام یک حکم قرآنی را از آبرو و جایگاه خود بسی برتر و والاتر می‌بینیم.

درنهایت:

از آنجا که بعضا فضای ناسالمی بین برخی دوستان شکل گرفته و سم‌پاشی‌هایی شده و هجمه‌های ناجوانمردانه‌ای برای تخریب حکم قرآنی صورت گرفته است و دوستان از این ماجرا کمی مکدر شده و از طرفی دل‌بند به حکم قرآنند و خلاصه نگران همه چیزند به نظرم آمد این متن را بنویسم تا در نهایت خدای نکرده کسی به خاطر مسائل حاشیه‌ای از حکم قرآن اعراض نکند.

سخن ما این است:

شاید نویسنده مقاله «حجاب در اسلام» انسان بسیار بدی باشد اما در عین حال استدلالش به قرآن صحیح باشد.

طبق مبنای قرآنی ما، که همه در ادامه راه آیت الله صادقی تهرانی رحمه الله است، اگر حتی یک کافر بیاید و استدلال صحیحی با استناد به قرآن انجام دهد و برای ما مشخص گردد که این مطلب حکم قرآن است باید از حکم قرآن تبعیت کنیم.

لذا اگر برای شما خوانندگان عزیز توسط افرادی عنوان می‌شود که نویسنده مقاله «حجاب در اسلام» یک انسان فاسق، گناهکار، کافر، نادان، منافق، دروغگو، جاه

طلب، خودرأی و... است شما از این صفات رذیله عبور کنید و تنها به استدلال مطرح شده در مقاله حجاب که در سایت رسولان و کانال عهد الله قرار دارد نگاه کنید اگر طبق مبنای قرآنی صحیح بود بپذیرید و اگر باطل بود آن را نپذیرید. «فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»

(زمر، ۱۷ و ۱۸).

والسلام علينا وعلى عباد الله الصالحين

مهدی عباسزاده

۷ دیماه ۱۳۹۵

متن سؤالات پرسیده شده توسط پرسشگران محترم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب آقای مهدی عباسزاده

سلام علیکم. با تشکر از پاسخ‌های قبلی، برای تکمیل بحث و روشن شدن مبنای نظری جنابعالی پاسخ به سؤالات ذیل ضروری است.

سؤال ۱: آیا در ادبیات عرب موارد استثناء شده که بعد از «إِلَّا» می‌آیند برای مخاطب - از نظر حکم یا غیر حکم - مجهولند که بیان می‌شود تا بر مخاطب روشن شود؟ (با دلیل توضیح دهید.) «برای اینکه ثابت شود حصر در آیه ۳۱ سوره نور حقیقی است یا اضافی، نیاز است که این سؤال پاسخ داده شود، لذا خارج از موضوع نیست.»

سؤال ۲: مراد از «فروج» را جواب دادید: «فروج همان چیزی است که نمایش آن در انحصار همسران است» و اشاره به آیه ۲۹ و ۳۰ سوره معارج نمودید. الف) فروج در آیه ۲۹ سوره معارج چگونه فروج در آیه ۳۱ سوره نور را معنا می‌کند که به آن اشاره کرده/ید؟

ب) بالأخره معنای فروج چیست که محافظت از آن لازم است؟

ج) با توجه با اینکه نمایش فروج ملازمتی با مقاربت ندارد و شما نمایش آن را در انحصار همسران دانسته‌اید، نحوه جواز مقاربت بین همسران را چگونه از این آیه یا آیات دیگر استفاده می‌کنید؟

سؤال ۳: نحوه استدلال به جواز مصافحه و معانقه بدون شهوت مرد با «مادر، دختر، خواهر، عمه و خاله خود» را مرقوم فرمایید.

سؤال ۴: با توجه به اینکه محدوده ابداء زینت در موارد آیه ۳۱ سوره نور یکسان نیست، بیان آنها مخصوصاً در کنار نام شوهر به چه منظور است؟

سؤال ۵: فرمودید: «مصافحه به قصد شهوت، از توابع خاص ازدواج» است؟ ظاهراً نکته‌ای فنی را می‌خواهید بیان کنید ولی معنای این جمله از فهم ما خارج است. لطفاً توضیح مرقوم فرمایید.

سؤال ۶: در مورد مراد از «عَوْرَاتِ النِّسَاءِ» جواب دادید: «آن چیزی است که فروج را نیز در بر دارد» لطفاً بفرمایید آن «چیزی» که فروج را در بر دارد چیست؟

سؤال ۷: آیا ازدواج با نامحرم جایز است؟ (با دلیل بفرمایید). «چنانچه استثنایی وجود دارد، آن را نیز مرقوم فرمایید.»

سؤال ۸: در آیه ۳۱ سوره نور آمده: «... لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ...» و «... لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ ...».

الف) در بخش اول آیه، نهی از ابداء زینت شده که معلوم است. بفرمایید در بخش دوم، ابداء زینت برای موارد بعد از «إِلَّا»، واجب است یا مستحب یا مباح. (با دلیل ثابت فرمایید).

ب) قطعاً مراد از ابداء زینت در قسمت دوم آیه مبارکه، «مَا ظَهَرَ مِنْهَا» نیست؛ زیرا وقتی ابداء آن مواضع برای نامحرم جایز باشد، به طریق اولی برای موارد بعد از «إِلَّا» جایز خواهد بود. حال آیا با لفظ «إِلَّا»، تمام مواضعی که ابدائش جایز نبوده، برای افراد ذکر شده بعد از «إِلَّا»، جایز خواهد شد؟

سؤال ۹: الف) آیا قید «غَيْرِ أَوْلِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ» فقط برای «التَّابِعِينَ» و قید «الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ» فقط برای «الطُّفُل» آمده است؟

ب) آیا موارد ماقبل «التَّابِعِينَ» و «الطُّفُل» قید و شرطی ندارند؟

سؤال ۱۰: الف) آیا اساساً جنابعالی قائل به حرمت مؤبد ازدواج مرد با «مادر، دختر، خواهر، عمه، خاله، دختر برادر و دختر خواهر» هستید؟ «فقط با بله یا خیر پاسخ دهید.»

ب) در صورتی که قائل به حرمت مؤبد ازدواج مرد با موارد فوق الذکر هستید، نحوه استدلال خود را مرقوم فرمایید؟

سؤال ۱۱: الف) اگر آیه‌ای از آیات قرآن کریم در بیان حکمی از احکام، ساکت باشد، آیا می‌شود بر اساس روایتی که مخالف ندارد، حکمی را ثابت کرد؟

ب) اگر شخصی در صدد اثبات حرمت یا حلیت حکمی به آیه‌ای استناد کرد و خودش قائل شد که این آیه در بیان این حکم ساکت است، ولی شخص دیگری حرمت یا حلیت را که او مرادش بود، با آیه‌ای دیگر اثبات کرد، آیا می‌شود بخاطر اینکه آیه مد نظر او ساکت از بیان حکم است، آیه دیگر را از دلالت خارج کرد؟

با تشکر ۲ / ۱۰ / ۱۳۹۵